

در یوم ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



در یوم ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵، حضرت عبدالبهاء، محاضرات جلد ۱ صفحه ۱۲۶

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در یوم ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵.. فرمودند "باید بشئی جزئی قناعت نمود و در خدمت عتبه مبارکه و نشر نفعات الله جهد و سعی کرد این نتیجه بخشد و سبب بقا اسم ما در سماء قرب احدیت شود" وقتی سلیمان ابوذرا مهمانی کرد نان خالی حاضر کرده بود گفت یا سلیمان قاتقی نداری سلیمان نجالت کشید دیگری داشت برد گرو گذاشت و ماست خرید آورد - گذاشت جلو اباذر پس از خوردن اباذر گفت الحمدالله که غذائی بقناعت صرف شد سلیمان گفت والله این قناعت نبود اگر قناعت داشتی بنان راضی شده دیگر من گرو نمیرفت جمال مبارک جلت قدرته سه دفعه در سلیمان تشریف بردند چقدر ذکر خیر سلیمان را میفرمودند بعد از هزار و سیصد سال جمال مبارک جل جلاله ذکر خیر او را مینمودند از جمله فرموده اند که سلیمان از اصحاب بزرگوار آن - حضرت بود ولی مقام او را نشناختند حضرت رسول فرمودند السلیمان مناومناهل البیت باوجود این بیان و باوجود این همه شهرت در میان ناس فرمودند که مقام او را مردم نشناختند عمر که خلیفه شد دلال حیوان بود ابوبکر بزاز بود و ابوذرا چوپان بود وقتی بیاید که مردم کفش احبای جمالقدم جل جلاله را ببوسند و گریه و زاری نمایند و یاد این ایام کنند پس ما باید قدر این موهبت را بدانیم همیشه در - این فکر باشیم که آثار این موهبت بیشتر از پیش ظاهر و عیان گردد اما یک طفلی نمیداند جواهر درخشانشرا خرف فرض نموده با سنگ میشکند قدر تاجهای مرصع را نمیداند بزمین میاندازد زیر پایش میمالد و میخندد باید ما این تاج های مرصع الهی این جواهرات ثمینه ربانی را در جعبه های ارواح پاک خود حفظ کنیم اینکه بوصایا و نصایح جمال مبارک جل جلاله زندگی کنیم.. با جمیع لشکر من علی الارض نمیتوانیم حفظ کنیم مگر بتعالیم و نوامیس جمال قدم جلت قدرته.....انتهی



ORIGINAL